

باروری مصنوعی از دیدگاه حقوق اسلام

محمدحسن صادقی مقدم

استادیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پذیرش: ۸۳/۵/۱۸

دریافت: ۸۳/۴/۱۷

چکیده

با توجه به اهمیت خانواده و نقش آن در تشکیل جوامع بشری و توصیه اسلام بر حفظ و قوام آن، تساهل و کوتاهی در مقابل موضوعات جدیدی که در این حوزه بروز می‌کند موجه نیست. یکی از این موضوعات، باروری مصنوعی است. حق داشتن فرزند در مواردی که زوجین یا یکی از آنها قادر به تولید مثل نیست، نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن اصول اخلاقی و فرزنددار شدن از طریق راههای غیرطبیعی یا خارج از ازدواج فراهم سازد.

لقاح خارج از رحم و سایر روشهای باروری مصنوعی از اموری است که به وسیله دانشمندان غربی در قرن اخیر به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. تولد «لوئیز براون» در سال ۱۹۷۸ نتیجه مثبت این تحقیقات بود.

در این مقاله با استفاده از نظر فقها، دیدگاه دین اسلام در مورد باروری مصنوعی، مبتنی بر فقه امامیه از نظر جواز یا حرمت، نسب، ارث و ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله جنبه‌های مختلف این موضوع را تبیین و بعضی از مسائل مورد نزاع در این رابطه را آشکار می‌سازد.

ملاک حلیت و حرمت در تلقیح مصنوعی بر طبق نظر اکثر فقهای اسلامی بستگی به وجود یا عدم وجود رابطه صحیح یا غیرشرعی بین زن و مرد است. در عین حال فرزند متولد شده از اسپرم مرد و تخمک زن فاقد رابطه زوجیت، دارای حقوقی از نظر نسب، ارث، نفقه و غیره است.

کلیدواژه‌ها: باروری مصنوعی، لقاح خارج از رحم، جنین، نسب، ارث



۱ - مقدمه

با پیشرفت علوم و باز شدن راههای جدید به روی بشر و تأثیر تازه‌های علمی بر زندگی انسان از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، جوامع بشری ناگزیر به دنبال پاسخ سؤالاتی هستند که در این حوزه‌ها مطرح می‌شود. نقش توالد و تناسل در بقای جوامع و احساس نیاز انسان به داشتن فرزند از یک طرف و پیشرفت علم بیولوژی تولید مثل و امکان فرزنددار شدن زوجهایی که از راه طبیعی امکان تولید مثل ندارند از طرف دیگر، باعث شده تا سؤالات متعددی در حوزه‌های اخلاقی، شرعی و اجتماعی در باب عمل مذکور و آثار آن از نظر نسب، ارث، محرمیت و امثال آن ایجاد گردد.

روشن نبودن آثار عمل مذکور از نظر نسب، ارث، و محرمیت مشکلات حادی را در آینده برای گیرندگان جنین بارور شده از راه تلقیح اسپرم^۱ و اوول^۲ دیگران به وجود می‌آورد. هم‌اکنون شاید تلقی گیرندگان جنین، دارا شدن فرزندی با تمام شرایط و انتساب و الحاق به آنها است، در حالی که در بیان فقها هیچ تردیدی در انتساب و الحاق فرزند به صاحب نطفه و تخمک وجود ندارد.

مصوبه قانونگذار ایران در سال ۸۲، اولین گام در جهت حل مشکلات کسانی است که توان باروری طبیعی نداشته، در آرزوی بهره‌مندی از نعمت فرزند به سر می‌برند. در این قانون، مجوز انتقال جنینهای حاصل از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی - آن هم پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین - به رحم زنانی که پس از ازدواج ناباروری آنها به اثبات برسد، صادر شده است.

حقوق ایران اسلامی که بر پایه فقه امامیه بنا شده با روشی که در اصل یکصد و شصت و هفت قانون اساسی پیش‌بینی گردیده قاضی را موظف ساخته است تا خود را به منابع معتبر و غنی اسلامی پیوند زده، با بهره‌گیری از اندیشه‌های بلند فقها و اندیشمندان اسلامی، راه‌حلهای معقول و مبتنی بر کتاب و سنت را با تکیه بر فطرت و عقل در پاسخ به موضوعات جدید و مستحدث ارائه کند.

از نظر تاریخی اولین کسی که مکانیسم باروری را در کتاب خود تحت عنوان باروری مصنوعی تشریح کرد «اسپالانزانی»^۳ اهل اسکاندیامو بود. وی در سال ۱۷۸۰ با آزمایش

۱. sperm
۲. ovule, ovum
۳. spalanzani

روی قورباغه نشان داد که لقاح در اثر تماس «اووسیت»^۱ و «اسپرماتوزا»^۲ به وجود می‌آید. «جان هانتز» (۱۷۹۳-۱۷۲۸) پزشک انگلیسی نخستین کسی بود که اولین تلقیح موفق را در انسان با قرار دادن منی یک مرد در داخل واژن یک زن انجام داد.

در زمینه باروری خارج رحمی، تخمک تازه پستانداران، اولین فکر متعلق به یک پزشک به نام شنک^۳ و مربوط به سال ۱۸۸۰ بود [۱، ص ۷۶۱]. اگرچه اقدامات وی در زمینه بارورکردن اووسیت پستاندارانی چون خرگوش و خوکچه هندی در محیط آزمایشگاهی با شکست مواجه شد، لکن درست یکصد سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۸ با تولد اولین کودک حاصل از لقاح آزمایشگاهی این زحمات به بار نشست.

اولین کودک حاصل از لقاح آزمایشگاهی^۴، «لوئیز براون»^۵ در سال ۱۹۷۸ در «اولدهام»^۶ انگلستان متولد شد. موفقیت دیگر در این زمینه تولد یک نوزاد پسر سالم در سال ۱۹۷۹ بود. گروه دیگری در دانشگاه ملبورن تحت نظارت دکتر «جان - جانستون»^۷ فعالیت خود را در زمینه لقاح آزمایشگاهی شروع کرد. اولین فرزند حاصل از گروه ملبورن «کاندیس‌رد» در ژوئن ۱۹۸۰ متولد گردید [۱، ص ۷۶۴]. گروه سوم در «نورفولک»^۸ آمریکا تحت مدیریت دکتر «اندرا»^۹ فعالیت می‌کرد که نتیجه تلاشهایش، تولد «الیزابت کار»^{۱۰} در سال ۱۹۸۱ بود [۱، ص ۷۶۹].

در کشور ما به کارگیری علم لقاح خارج رحمی به سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد. پس از تولد اولین فرزندان به روش لقاح آزمایشگاهی در شهر یزد، اکنون مراکز متعددی در کشور در این زمینه فعالیت دارند [۲، ص ۷].

۱-۱- روشهای باروری کمک شده^{۱۱}

اکنون که بیش از ربع قرن از تولد اولین نوزاد لقاح آزمایشگاهی به روش لقاح آزمایشگاهی در جهان و نزدیک به پانزده سال از تولد اولین نوزاد در ایران می‌گذرد، روشهای بارداری کمک شده انواع مختلفی پیدا کرده که عبارتند از:

۱. گامت مؤنث از زمان اولین تقسیم تا زمان لقاح، «oocyte» .
 ۲. spermatozoa
 ۳. Schenk
 ۴. in vitro fertilization
 ۵. Louise - Brown
 ۶. Oldham
 ۷. Jon - Johnston
 ۸. Norfolk
 ۹. Andrews
 ۱۰. Elizabeth Carr
 ۱۱. assisted reproductive technologies



۱-۱-۱ روش باروری داخل رحم^۱

در این روش، اسپرم مستقیماً به داخل رحم وارد می‌شود و با جدا کردن اسپرم از مایع منی و شناور کردن آن در محیط کشت و تلقیح به داخل رحم، بارداری انجام می‌پذیرد [۲، ص ۱۹ و ۳، ص ۱۳۷]. ممکن است در این روش، اسپرم، متعلق به شوهر^۲ و یا بیگانه^۳ باشد. در مواردی که قدرت باروری به دلیل کیفیت اسپرم و یا دلایل ناشناخته کم باشد و یا در موارد ناتوانی در انزال داخل واژن و یا نامناسب بودن شرایط برای نفوذ اسپرم از این روش استفاده می‌شود [۲، ص ۲۰؛ ۱، ص ۷۲۰].

۱-۲- روش تزریق اسپرماتوزوئید به داخل سیتوپلاسم تخمک^۴: در این روش، پس از انجام تزریق اسپرم به داخل تخمک و لقاح در آزمایشگاه پس از حداقل دو روز رشد، آن را داخل رحم قرار می‌دهند [۲].

۱-۳- روش جایگزینی مستقیم اووسیتها و اسپرماتوزوا به داخل لوله فالوپ^۵: در این روش، اسپرم و تخمک با هم وارد لوله رحم می‌شوند و در نتیجه، لقاح و رشد جنین به طور طبیعی در داخل رحم صورت می‌گیرد.

۱-۴- روش کشت گامت مؤنث و اسپرم در محیط آزمایشگاه و به دنبال آن انتقال مستقیم به داخل رحم^۶: در این روش، جنین یک سلولی که معمولاً ۱۸ تا ۲۴ ساعت پس از تلقیح قابل مشاهده است به رحم منتقل می‌گردد تا رشد به صورت طبیعی در داخل لوله رحم انجام شود [۱، ص ۷۶۰].

۲- مشروعیت باروری مصنوعی

اولین عکس‌العمل جامعه روحانی و اتیکان در سال ۱۹۸۴، یعنی درست شش سال پس از تولد اولین نوزاد آزمایشگاهی، پس از پخش سراسری یک برنامه تلویزیونی در تاریخ هفده ژانویه

۱. intra uterine insemination
 ۲. artificial insemination by husband
 ۳. artificial Insemination by Donor.
 ۴. intra cytoplasmic spermatozoa injection.
 ۵. gamete intra fallopian transfer.
 ۶. zygote intra fallopian transfer.

۱۹۸۲ به طور جدی مطرح شد. ریاست آکادمی علوم وابسته به پاپ اعظم از دست اندر کاران این اتفاق علمی جدید برای شرکت در یک همایش در واتیکان دعوت به عمل آورد و پس از سه روز تبادل نظر آقای پروفیسور «چاگاس»^۱ در پایان همایش اظهار داشت که همه شرکت‌کنندگان در این کنفرانس بجز یک نفر با مشروعیت عمل لقاح آزمایشگاهی موافق هستند [۱، ص ۷۷۱].

فقها و صاحب‌نظران اسلامی نیز با تکیه بر اصول و ملاحظه واقع‌بینانه موضوع، به دنبال یافتن راه‌حلی بوده‌اند که ضمن کمک به کسانی که از نعمت فرزند به دلایل جسمی بی‌بهره هستند و علم پزشکی می‌تواند و یا خواهد توانست به آنها در این مسیر کمک کند، اصول حاکم بر استواری خانواده را خدشه‌دار نکند. این حق طبیعی با تأکید بر جنبه‌های عاطفی نباید اصول مهم دیگری را که اساس زندگی اجتماعی و فطری بشر بر آن استوار است، تحت‌الشعاع قرار دهد؛ اصولی که بی‌توجهی به آن بنیان‌های خانواده را تهدید می‌کند. اصل حفظ نسب از اختلاط که متکی بر اصل احتیاط در فروج است از خلال آیات و روایات و استنباط عقلی نمایان و مورد تأکید شرع انور است [۴، ص ۳۰۹].

صرف نظر از روشهای بارداری مذکور در مقدمه، منشأ تشکیل یعنی نحوه تکون طفل از کروموزومهای اسپرم مرد و اوول زن هر یک به تعداد ۲۳ کروموزوم است و بعد از این مرحله است که به تعداد ۲، ۴، ۸ و ۱۶ سلولی تکثیر می‌گردد و در عرض دو ماه نخست، جنین به شکل یک انسان درمی‌آید و از ماه سوم به بعد این جنین کامل شده و رشد می‌کند» [۵، ص ۱۳۸۲].

با توجه به اهمیت نقش اسپرم مرد و اوول زن در تشکیل جنین، حالت‌های مختلف تکوین نوزاد از نظر منشأ را احصاء و با استناد به ادله فقهی، احکام تکلیفی و وضعی آنها را بیان می‌کنیم.

۲-۱- منشأ تشکیل جنین، نطفه و تخمک زن و شوهر شرعی است.

به غیر از روش معمولی که در اثر نزدیکی مرد با همسرش منجر به لقاح طبیعی در رحم زن است حالات و صور مختلفی با استفاده از روشهای جدید باروری کمک شده قابل بررسی است.

۱. Chagas



- الف) اسپرم مرد را با ابزار وارد رحم همسرش می‌کنند و عمل لقاح درون رحم انجام می‌گیرد.
- ب) اسپرم مرد را در تخمک همسرش تزریق کرده، پس از لقاح در آزمایشگاه پس از ۲ روز رشد آن را در رحم همسرش قرار می‌دهند.
- ج) اسپرم مرد و تخمک زن را از قبل می‌گیرند و با هم داخل لوله فالوپ قرار می‌دهند.
- د) اسپرم مرد را با تخمک همسرش در محیط آزمایشگاه تلقیح و مستقیماً وارد رحم می‌کنند.
- هـ) اسپرم مرد و تخمک همسرش را در محیط آزمایشگاه تلقیح و تا پایان دوره جنینی و رشد تا تولد در محیط آزمایشگاه پرورش می‌دهند.
- و) اسپرم مرد و تخمک همسرش را در آزمایشگاه تلقیح می‌کنند و در رحم همسرش قرار می‌دهند.
- ز) اسپرم مرد و تخمک همسرش را تلقیح و در رحم زن دیگری قرار می‌دهند.
- ح) اسپرم مرد و تخمک همسرش پس از فوت مرد تلقیح می‌شود.
- اکنون به بررسی نظر فقها در مورد حالت‌های فوق می‌پردازیم.

۱-۱-۲ - اسپرم مرد را بوسیله دستگاه وارد رحم همسر شرعی او می‌کنند: برخی از فقها به جواز عمل مذکور مشروط به رعایت جهات شرعی نظر داده‌اند [۶، ص ۶۲۱؛ ۷، صص ۴۳-۴۲؛ ۸، مسأله ۱۷۸؛ ۹، ج ۱، صص ۵۶۵-۵۶۴؛ ۱۰، ص ۳۰۰؛ ۱۱، ج ۲، ص ۶۱۲؛ ۱۲، ص ۱۸۹؛ ۱۳، ص ۲۱۸؛ ۱۴، ص ۲۱۷؛ ۱۵، ص ۷۶۴]؛ اما در صورتی که این اقدام مستلزم مقدمات حرام مانند لمس و نظر حرام باشد آن را به موارد ضرورت محدود کرده‌اند [۱۱، ص ۶۱۲؛ ۱۵، ص ۷۶۵]. مقصود از موارد ضرورت یا مواردی که موجب عسر و حرج شود مواردی است که موجب اختلال زندگی زناشویی و یا بیماری زن و امثال آن گردد [۱۱، ج ۲، ص ۶۱۰ و ۹، ص ۵۶۷]. بدیهی است چنانچه مقدمات حرام منتفی باشد مانند اینکه این عمل به وسیله همسر شرعی زن صورت بگیرد و یا به وسیله دستگاه‌هایی بدون لمس و نظر انجام پذیرد، هیچ شکی در جواز عمل مذکور نیست. به نظر می‌رسد ادله حرمت لمس و نظر، ظاهر بدن را شامل می‌شود، اما در مورد نظر به محیط‌های داخلی بدن و رحم دلیلی بر حرمت نداریم [۴، ص ۳۱۰ و برای ملاحظه نظر مخالف ۹، ج ۲، ص ۵۶۹]. فقها در جواز عمل مذکور به اصاله الاباحه [۱۶، ص ۸۰] و اصل برائت شرعی و عقلی [۱۷، ص ۱۳۶] استناد و بیان کرده‌اند که شبهه‌ای در جواز این عمل وجود ندارد و عناوین حرام از

قبیل زنا و ریختن نطفه در رحم حرام و جای دادن نطفه در آن، این مورد را شامل نمی‌شود و عمل با اصل احتیاط در فروج نیز مغایرتی ندارد [۱۸، ص ۱۰۰].

۲-۱-۲ - اسپرم مرد را پس از تزریق در تخمک همسرش، در رحم وی قرار می‌دهند.

۳-۱-۲ - اسپرم مرد را با تخمک همسر به طور همزمان در رحم همسر قرار می‌دهند.

۴-۱-۲ - اسپرم مرد را با گامت مؤنث همسرش در آزمایشگاه تلقیح و وارد رحم می‌کنند.

۵-۱-۲ - اسپرم مرد و تخمک همسر را در آزمایشگاه تلقیح و پرورش می‌دهند.

در کلیه حالت‌های مذکور، اسپرم متعلق به مرد و تخمک متعلق به همسر شرعی وی است، جز اینکه در نحوه تلقیح، زمان تلقیح، مکان تلقیح و پرورش با قسمت ۱-۲ متفاوت است. لذا از نظر حکم تکلیفی، فرقی بین حالت‌های مذکور و قسمت قبل وجود ندارد و فقها حکم به جواز حالت‌های مذکور داده‌اند [۱۸، ص ۱۰۰؛ ۱۱، ج ۲، ص ۶۱۱؛ ۱۳، ص ۲۱۸؛ ۱۹، ص ۴۷۶].

۶-۱-۲ - تلقیح اسپرم مرد و تخمک همسرش و قرار دادن در رحم همسر دیگر او:

برخی از فقها نظر به جواز عمل مذکور داده‌اند [۹، ج ۱، ص ۵۶۸؛ ۱۱، ج ۱، ص ۴۶۴؛ ۱۶، ص ۹۱؛ ۲۰، ص ۴۵۳]. البته دلیلی بر حرمت این عمل وجود ندارد و با شک در حرمت، اصل برائت جاری می‌شود [۱۷، ص ۱۴۷؛ ۱۳، ص ۲۱۸]. در این مورد نیز چنانچه مقدمات عمل حرام باشد به دلیل حرمت مقدمات، خود عمل نیز حرام می‌شود [۱۷، ص ۱۴۷].

۷-۱-۲ - اسپرم مرد و تخمک همسرش را تلقیح و در رحم زن دیگری (شوهردار و یا

بدون شوهر) قرار دهند: با توجه به اینکه جنین از اسپرم مرد و تخمک همسرش به وجود آمده، انتقال این جنین به رحم زن دیگر مانند قرار دادن آن در یک محیط مناسب رشد است و مشمول اصلالة الاباحه است [۱۶، ص ۹۲؛ ۱۸، ص ۱۰۲؛ ۱۳، ص ۲۱۹؛ ۱۱، ج ۲، ص ۶۱۰؛ ۹، ج ۱، ص ۵۶۴؛ ۲۰، ص ۴۵۳]. در این صورت که «جانشینی در بارداری»^۱ نیز نامیده می‌شود مادر جانشین، بدون داشتن رابطه ژنتیکی با جنین که از اسپرم و اوول یک زن و شوهر شرعی تشکیل شده صرفاً جنین تکون یافته را حمل و در رحم خود پرورش می‌دهد [۲۱]. این عمل نه

۱. gestational surrogacy



مصدق زنا است، نه مصداق ریختن نطفه در رحمی که بر مرد حلال نیست و نه مصداق جای دادن نطفه در چنین رحمی [۱۸، ص ۱۰۲]. آنچه در این مورد گفتن دارد این است که اگر زن دارای شوهر باشد اجازه شوهر [۱۳، ص ۲۱۹] و در هر صورت اجازه زن لازم است [۱۳؛ ۱۱، ج ۲، ص ۶۱۰]. در این مورد برخی از فقها نظر بر عدم جواز داده‌اند [۹، ج ۱، ص ۵۶۸].

۲-۱-۸ - اسپرم مرد و تخمک همسرش پس از فوت تلقیح می‌شود: در برخی از موارد که اسپرم مرد را به منظور نگهداری در بانک اسپرم [۹، ج ۱، ص ۵۶۶] و یا تلقیح با تخمک همسر شرعی وی گرفته‌اند ممکن است بعد از فوت صاحب اسپرم، عمل تلقیح انجام پذیرد. در این مورد، برخی از فقها نظر بر جواز عمل مذکور داده‌اند [۲۲؛ ۹، ج ۱، ص ۵۶۵ و ج ۲، ص ۵۶۵]. اما برخی دیگر از فقها این عمل را واجد اشکال دانسته‌اند [۱۱، ج ۱، ص ۴۶۴؛ ج ۲، ص ۶۱۱]. به نظر می‌رسد علت این امر بطلان زوجیت یا انحلال رابطه نکاح بعد از وفات شوهر باشد. زوجیت که رابطه‌ای اعتباری بین زن و مرد است با فوت یکی از آنها از بین می‌رود. استصحاب بقای زوجیت نیز در اینجا به دلیل عدم بقای موضوع کاربردی ندارد و اما روایات وارد در مورد جواز غسل مرد توسط همسرش در صورت فوت و بالعکس و همچنین نظر به جسد مرد، دلیل بقای زوجیت نیست، بلکه به دلیل ورود نص است که به صورت تعبدی باید به آن ملتزم بود [۵، صص ۹۴ - ۹۳]. در صورت حکم به بطلان زوجیت و یا انحلال آن در صورت فوت مرد، عمل تلقیح اسپرم بعد از فوت در حکم تلقیح اسپرم اجنبی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲-۲ - منشأ تشکیل جنین، نطفه شرعی و تخمک اجنبی است:

گاهی به دلیل ضعف رحم زوجه شرعی، نیاز به استفاده از تخمک زن دیگری است. لذا ممکن است به صورتهای زیر از تخمک زن دیگری برای تولید مثل استفاده شود:

الف) پیوند تخمک زن دیگر به رحم زوجه و آمیزش شوهر با وی.

ب) تلقیح اسپرم با تخمک زن دیگر و تشکیل جنین و استقرار در رحم زوجه و یا پرورش در خارج رحم.

۲-۲-۱ - پیوند تخمک زن دیگری به رحم زوجه و آمیزش شوهر با وی: با توجه به اینکه بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تمام زوجهای نابارور در تخمک‌گذاری اشکال دارند [۱، ص ۱۱۸] و یا به دلایل دیگر ممکن است نیاز به استفاده از تخمک زن دیگری باشد، در صورتی که این تخمک متعلق به زوجه شرعی صاحب اسپرم باشد، همان‌گونه که در قسمت ۲-۱-۶ این نوشته آمد فقها حکم به جواز عمل مذکور داده‌اند. در صورتی که تخمک متعلق به زن دیگری است که با صاحب اسپرم رابطه زوجیت ندارد نیز برخی از فقها حکم به جواز عمل مذکور داده‌اند [۹، ج ۲، ص ۵۷۰؛ ۲۳، ص ۶۹۰؛ ۱۷، ص ۱۳۷؛ ۱۸، ص ۱۰۴]؛ لکن برخی دیگر از فقها، به عدم جواز ترکیب نطفه مرد با تخمک زن اجنبی حکم کرده‌اند [۱۱، ج ۲، ص ۶۰۹]. به نظر می‌رسد با توجه به تشکیل جنین از اسپرم مرد و تخمک زنی غیر از همسر شرعی صاحب اسپرم فرقی بین این حالت و حالت تلقیح اسپرم مرد اجنبی با تخمک زن اجنبی که اکثر فقها نظر به عدم جواز آن داده‌اند نباشد [۱۳، ص ۲۲۱؛ ۱۱، ج ۱، ص ۴۶۶ و ج ۲، ص ۶۰۹؛ ۱۶، ص ۸۵]. بسته شدن نطفه از آب مرد و تخمک زنی که آمیزش آنان با یکدیگر جایز نیست حرام است [۱۶، ص ۸۸]. اگرچه بعضی گفته‌اند که روایات مربوط به قرار دادن منی در مهبل زنی که بر مرد حرام است شامل این مورد نمی‌شود و به آنچه در این خصوص متعارف است - (یعنی ریختن نطفه به صورت زنا) - منصرف است؛ یعنی وقتی کسی با زنی که بر او حرام است آمیزش کند به شدیدترین عذاب می‌رسد. ثانیاً این دلیل، اخص از مدعی است و شامل بسیاری از تلقیحات مصنوعی نمی‌شود [۲۴، ص ۱۲۳].

در پاسخ این استدلال گفته شده است:

«هرچند مورد این روایات، قرار دادن منی در مهبل زنی است که بر مرد حرام است، لکن مورد مخصص نیست، بلکه خصوصیت از این مورد برداشته می‌شود و حرام بودن، موردی را که نطفه از منی مرد و تخمک زنی که بر او حرام است بسته می‌شود، دربرمی‌گیرد و بیرون آوردن تخمک از مهبل این زن و گذاردن آن در مهبل زنی که آمیزش این مرد با او جایز نیست هیچ تأثیری در رفع حرمت ندارد و از دایره الغای خصوصیت خارج نمی‌شود.» [۱۶، ص ۸۸، ۲۵، ص ۶۰].

به عقیده برخی دیگر، این مطلب به تنهایی موجب الغای خصوصیت از روایات نمی‌شود، چون ممکن است از نهاده شدن نطفه نامحرم در رحم زن، وضعیتی دست دهد که در موقع نهاده شدن نطفه شوهرش با نطفه زنی دیگر در رحمش، چنان چیزی پدید نیاید [۱۷، ص ۱۴۹]. برای رفع این شبهه دقت در صورت مسأله کافی است؛ زیرا آنچه از آمیزش مرد با همسرش



پس از پیوند تخمک دیگری در رحم همسرش که قبل از آن فاقد تخمک بارور بوده، رخ می‌دهد، تلقیح اسپرم مرد با تخمک دیگری است، اگرچه در رحم همسر خودش این تلقیح انجام گیرد. با این وصف، فرقی بین این حالت و تلقیح اسپرم مرد اجنبی با تخمک اجنبیه وجود ندارد. در حقیقت، جواز، مربوط به موردی است که بین صاحب اسپرم و صاحب تخمک رابطه زوجیت صحیح برقرار باشد. یکی از مشکلات دیگر اختلاط نسب است، به این توضیح که با اختلاط اسپرم و تخمک دو نفر که با یکدیگر رابطه زوجیت ندارند اغراض مهمی که شارع مقدس دارد، نادیده گرفته می‌شود [۱۳، ص ۲۲۲].

در مورد اخیر در ظاهر به نظر می‌رسد که با آمیزش شوهر با همسر خود جنین در رحم وی تشکیل می‌گردد، لکن منشأ تشکیل جنین اسپرم مرد و تخمکی است که از زن دیگری به دست آمده و تنها تفاوت این است که محل تشکیل و تکون جنین درون رحم همسر شرعی صاحب اسپرم است.

۲-۲-۲ - تلقیح اسپرم با تخمک زن دیگر و تشکیل جنین و استقرار در رحم زوجه و یا پرورش در خارج رحم: در این مورد نیز منشأ تشکیل جنین، اسپرم مرد و تخمک زنی است که با یکدیگر رابطه زوجیت نداشته‌اند. پس از تشکیل جنین ممکن است این جنین به رحم زوجه صاحب اسپرم منتقل و یا در محیط مساعدی پرورش و تبدیل به نوزاد گردد. در جواز یا عدم جواز بین این حالت و حالت قبل تفاوتی نیست [۹، ج ۲، ص ۵۷۰؛ ۱۸، ص ۱۰۴؛ ۲۳، ص ۶۹۰؛ ۱۷، ص ۱۳۷ و عدم جواز ۱۱، ج ۲، ص ۶۰۹]. در این حالت جنین در خارج رحم تشکیل و در مورد قبل جنین در درون رحم و با تلقیح طبیعی اسپرم مرد و تخمک زن دیگر که در رحم زوجه او قرار داده شده، تشکیل می‌گردد.

۲-۳ - منشأ تشکیل جنین، اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن است

نکته اصلی در این قسمت، منشأ تشکیل جنین از اسپرم مرد و تخمک زنی است که آمیزش آنها با یکدیگر جایز نیست، اما در روشهای تلقیح و انواع آن که در شماره ۲-۱ به طور مشروح بیان گردید فرقی بین این دو قسمت نیست. در این بحث بین فقها دو نظر وجود دارد: اکثر مراجع و فقها نظر به عدم جواز تلقیح اسپرم مرد اجنبی با زن اجنبیه داده‌اند [۶، ج ۲، ص

۶۲۱: ۷، صص ۴۳-۴۲؛ ۳۲، مسأله ۴۹۶-۴۹۰؛ ۱۱، ج، ص ۶۰۸؛ ۹، ج ۱، ص ۵۶۶؛ ۱۳، ص ۲۲۰؛ ۱۶، ص ۸۰؛ ۱۷، ص ۱۴۸؛ ۱۴، ص ۲۱۷؛ ۱۵، ص ۷۶۵].
در مقابل، عده‌ای نیز به جواز عمل مذکور حکم کرده‌اند [۱۸، ص ۱۰۵؛ ۲۶، ص ۲۲۵].
اکنون به بررسی استدلال هر دو دسته می‌پردازیم.

۲-۳-۱- دلایل نظریه اول

۲-۳-۱-۱- آیات

۱. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور، ۳۱): ای پیامبر به زنده‌های مؤمنه بگو که چشمهای خود را از دیدن بیگانه به شهوت فرو پوشانند و فروج خود را از زشتیها نکه دارند.

بنابراین حفظ فروج از هر چیزی که با حفظ آن منافات دارد واجب است. از آنجا که حفظ فروج فقط به استمتاع اختصاص ندارد و به هر چیزی از جمله صورتهای تلقیح نیز برمی‌گردد لذا حفظ آن از ادخال اسپرم مرد اجنبی نیز واجب است [۴، ص ۳۷۹]. کسانی که با استناد به این آیه، تلقیح نطفه اجنبی را حرام می‌دانند معتقدند حذف متعلق حفظ، افاده عموم می‌کند و به همین دلیل مقتضی آیه، لزوم حفظ فرج از هر چیز، از جمله تلقیح مصنوعی از اسپرم مرد اجنبی است [۴؛ ۱۷، ص ۱۳۷].

برخی از نویسندگان با استناد به روایت ابی‌بصیر از امام صادق (ع) (قال: و سئل الصادق علیه‌السلام عن قول الله عزوجل: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم») فقال کل ما کان من کتاب الله من ذکر حفظ الفرج فهو من الزنا الا فی هذا الموضع فإنه للحفظ من ان ینظر إلیه) [۲۷، ج ۱، ص ۲۱۱]. بر این استدلال اشکال کرده‌اند که مقصود از حفظ فروج، حفظ آن از نگاه دیگران است، نه حفظ از هر چیزی. بنابراین ریختن اسپرم مرد نامحرم در رحم زن، بدون لمس و نظر شامل آن نمی‌شود [۱۷، ص ۱۳۷؛ ۲۴، ص ۱۲۱].

صرف‌نظر از ضعف سند حدیث که در برخی از نوشته‌ها مورد اشاره قرار گرفته [۱۷] می‌توان گفت که حفظ فروج از ادخال نطفه اجنبی از لوازم و شئون حفظ از غیر است [۲۸، ص ۱۷۰]. ادعای انصراف حفظ فروج به نزدیکی نیز نیاز به اثبات دارد [۴، ص ۳۷۹] و لذا بنا به ارتکاز متشرعه و همچنین دلایل دیگری که در ادامه خواهد آمد باید به حرمت تلقیح اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن اجنبه حکم کرد.



۲- «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ أَلَا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَمَلِكَتِهِمْ أَيْمَانُهُمْ» [مؤمنون، ۶-۵]: آنان که شرمگاه خود را نگه می‌دارند جز بر همسران، یا کنیزان خویش که در نزدیکی با آنان مورد ملامت قرار نمی‌گیرند.

عمده نویسندگان در استدلال به این آیه در این زمینه ایراد کرده‌اند [۱۶]، ص ۸۶؛ ۴، ص ۳۸۰؛ ۵، ص ۸۹؛ ۱۷، ص ۱۳۸]. زیرا اولاً تلقیح مورد بحث از شئون حفظ شرمگاه زن است از نطفه اجنبی و ثانیاً معنای قطعی نگهداری شرمگاه از زنان آن است که با آنان آمیزش نکند به علاوه آنچه به طور ارتکازی از حفظ فرج متبادر می‌شود، نگهداری از آمیزش است.

۲-۳-۱-۲- روایات

۱. محمدبن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن عثمان بن عیسی، عن علی بن سالم، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلًا أَقْرَبَ نُطْفَتَهُ «نطفه عقاب» فی رَحِمٍ مَایحَرُمُ عَلَیْهِ و رواه الصدوق فی (عقاب الاعمال) و... و رواه البرقی فی (المحاسن) مثله [۲۷]، ج ۱۴، ص ۲۳۹]. محمدبن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از پدرش، عثمان بن عیسی، از علی بن سالم، از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «قرار دادن نطفه در رحمی که بر مرد حرام است مستوجب سخت‌ترین عذاب در روز قیامت است.»

اشکال وجود علی بن سالم و ناشناخته بودن و مرد بودن بین دو نفر در سلسله روایت حدیث که موجب ضعف سند تلقی شده [۱۶]، ص ۸۲؛ ۱۷، ص ۱۳۸؛ ۲۴، ص ۱۲۲]. قابل دفع است؛ زیرا علی بن سالم هر کدام از دو نفر مورد تردید که باشد از اصحاب امام صادق (ع) است و شیخ مفید در کتاب ارشاد، همه اصحاب امام صادق (ع) را توثیق کرده است [۱۷]، ص ۱۳۸]. از آن گذشته با توجه به ثقه بودن سایر افراد سلسله روایت، نقل حدیث از شخص غیرثقه بعید است [۴]، ص ۲۸۱].

بنابر ظاهر حدیث، قرار دادن نطفه در رحم زن اجنبی حرام است، اگرچه از راه غیرمعمول، یعنی تلقیح مصنوعی باشد [۱۶]، ص ۸۳؛ ۱۷، ص ۱۳۹؛ ۴، ص ۳۸۰]. این حدیث، هم شامل موردی می‌شود که اسپرم مرد از راه معمول در رحم زن قرار گیرد و هم موردی را که از راه غیرمعمول انجام می‌پذیرد در بر می‌گیرد. آنچه مورد تأکید قرار دارد قرار دادن اسپرم مرد در رحمی است که بر وی حرام است، بدون در نظر گرفتن ابزاری که این نطفه را در رحم قرار می‌دهد [۱۶]، ص ۸۳].

در پاسخ به این اشکال که ظاهر روایت بر ریختن نطفه به صورت مباشرت دلالت دارد و یکی از مصادیق بارز و آشکار قرار دادن نطفه در رحم زن، آمیزش با وی است و به متعارف بر می‌گردد، [۲۴، ص ۱۲۳] باید گفت که آمیزش یکی از مصادیق بارز و آشکار قرار دادن اسپرم مرد بیگانه در رحم زن است و غلبه خارجی به تنهایی موجب انصراف نمی‌گردد. آنچه موجب شدیدترین مجازات در روز قیامت است، قرار گرفتن نطفه در رحم زنی است که بر صاحب نطفه حرام است [۱۷، ص ۱۳۹؛ ۱۶، ص ۸۳].

۲. «محمد بن علی بن الحسین قال: قال النبی(ص): «لَنْ يَعْمَلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ رَجُلٍ قَتَلَ نَبِيًّا أَوْ إِمَامًا أَوْ هَدَمَ الْكَعْبَةَ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ قِبْلَةً لِعِبَادِهِ أَوْ أْفَرَّغَ مَاءَهُ فِي إِمْرَأَةٍ حَرَامًا» [۲۷، ج ۱۴، ص ۲۳۹]: امام باقر(ع) از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود: هرگز فرزند آدم کاری انجام نمی‌دهد که گناه آن نزد خداوند از کشتن پیامبر یا امام یا خراب کردن کعبه که خداوند آن را برای بندگانش قبله قرار داده، یا ریختن آب خود در رحم کسی که بر وی حرام است، بیشتر باشد.

اشکال موجود در سند حدیث به دلیل وجود قاسم بن محمد اصفهانی که مجهول است و توثیق نشده است [۲۴، ص ۱۲۴؛ ۱۷، ص ۱۴۰] را برخی از فقها پاسخ داده‌اند که چون شیخ صدوق(ره) آن را به پیامبر(ص) نسبت داده و وی صرفاً به نقل احادیثی که در نظر وی حجت است ملتزم است، می‌توان آن را معتبر شمرد [۱۶، ص ۸۳، ۱۷، ص ۱۴۰]. نویسنده اخیر در عین حال این دفاع را ضعیف می‌شمارد، زیرا شیخ صدوق(ره) در کتاب حدائق در موارد زیادی خلاف آن عمل کرده است.

از ظاهر حدیث برمی‌آید که قرار دادن منی مرد در رحم زنی که آمیزش با وی برای او جایز نیست، حرام است [۱۶، ص ۸۳؛ ۱۷، ص ۱۴۰]. بسته شدن نطفه و تشکیل جنین در این حالت از اسپرم مرد و تخمک زنی است که بین آنها رابطه زوجیت وجود ندارد.

«ریختن منی در مهبل زنی که آمیزش با وی برای صاحب منی حرام است، حرامی است مستقل و ربطی به آمیزش ندارد. به تناسب حکم و موضوع، می‌توان سبب حرام بودن ریختن منی را به عنوان یک حرام مستقل به دست آورد و آن اینکه قرار دادن منی به گونه معمولی در مهبل زنی که بر صاحب منی حرام است، سبب بسته شدن نطفه از راه نامشروع می‌شود» [۱۶، ص ۸۳].

ممکن است تصور شود که مقصود از قسمت اخیر، ریختن اسپرم مرد از طریق حرام است. در نتیجه اگر اسپرم مرد اجنبی از راهی که حرام نیست مانند تلقیح مصنوعی با ابزار و



آلات پزشکی و با فرض فقدان مقدمات حرام در رحم زن اجنبیه تلقیح شود، معلوم نیست حدیث این مورد را شامل شود. این استدلال را نویسنده کتاب کلمات سدییه فی مسائل جدیدیه رد کرده و می‌گوید این پنداری است که نباید به آن توجه کرد» [۱۶].

۳. «و عنه، عن محمدبن احمد، عن ابی عبدالله الرازی، عن الحسن بن علی بن ابی حمزه، عن ابی عبدالله المؤمن عن اسحاق بن عمار قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزَّانَا شَرٌّ أَوْ شُرْبُ الْخَمْرِ؟ وَ كَيْفَ صَارَ فِي شُرْبِ الْخَمْرِ ثَمَانُونَ وَ فِي الزَّانَا مِائَةٌ؟ فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ الْإِحْدُ وَاحِدٌ وَلَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النَّطْفَةَ وَ لِيُوضِعَهُ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ»: [۱۶، ص ۸۵ و ۱۷؛ ص ۱۴۱؛ ۱۸؛ ص ۱۰۸]. از امام صادق (ع) پرسیدم: زنا بدتر است یا نوشیدن شراب؟ و چرا حد نوشیدن شراب هشتاد تازیانه و حد زنا یکصد تازیانه است؟ امام (ع) فرمود: ای اسحاق حد هر دو یکسان است ولی چون زنا موجب تضييع نطفه و قرار دادن آن در غیر جایگاهی می‌شود که خداوند دستور داده است این مقدار اضافه گردیده است.»

سند حدیث به دلیل وجود افراد مجهول از جمله حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی ضعیف است طبق این حدیث، قرار دادن نطفه در غیر جایگاهی که خداوند دستور داده است و تضييع نطفه در حدیث نهی شده است و برابر حدیث، قرار دادن نطفه در غیر جایگاهی که خدای متعال امر فرموده حرام است [۱۶، ص ۸۴؛ ۱۷، ص ۱۴۱].

۴. «محمدبن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن محمد بن ابی حمزه، عن شعيب الحداد قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ مِنْ مَوَالِكٍ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ قَدْ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ إِمْرَأَةً وَ قَدْ وَافَقَتْهُ وَ أَحَبَّ بَعْضُ شَأْنِهَا، وَ قَدْ كَانَ لَهَا رَوْجٌ فَطَلَّقَهَا عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ وَ قَدْ كَرِهَ أَنْ يُقَدَّمَ عَلَى تَزْوِيجِهَا حَتَّى يَسْتَأْمَرَكَ فَتَكُونُ أَنْتَ تَأْمُرُهُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ الْفَرْجُ، وَ أَمْرُ الْفَرْجِ شَدِيدٌ، وَ مِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ وَ نَحْنُ نَحْتَاطُ، فَلَا يَتَزَوَّجُهَا.» [۲۷، ج ۱۴، ص ۱۹۳]: به امام جعفر صادق (ع) عرض کردم: یکی از دوستان شما سلام می‌رساند. او قصد تزویج با زنی دارد که با وی توافق حاصل است و آن زن شوهر داشته است که او را به غیر سنت و روش اسلام طلاق داده است. مرد کراهت دارد که اقدام به ازدواج با آن زن کند و از شما دستور می‌خواهد آیا به او اجازه می‌دهید؟ امام صادق (ع) فرمود: این امر به فرج مربوط می‌شود که مسأله مهمی است و از آن فرزند متولد می‌شود، و ما احتیاط می‌کنیم. پس با آن زن ازدواج نکند.

اهمیت خاصی که اسلام برای فروج قائل شده برای این است که بی‌مبالاتی در امر فروج که محل تکون طفل است موجب اختلاط نسب می‌گردد. با توجه به اینکه فروج زنان بدون اذن

شارع بر مردان مباح نمی‌شود و در موارد احتمال حرمت، احتیاط باید کرد، امام (ع) نهی در ازدواج را متفرع بر احتیاط کرده است [۱۷، ص ۱۴۳]. چنانچه حرمت یا مشروعیت تلقیح مصنوعی با اسپرم مرد اجنبی تردید کنیم، چون مستلزم احتیاط در مبدأ تکون انسان است، باید احتیاط کنیم. امام (ع) با وجود علم به همه احکام احتیاط می‌فرماید، اگر چه اصل اولی در شبهات تحریمی، برائت است [۱۷].

۲-۳-۲- دلایل نظریه دوم

۱. اصل اباحه و جواز: اگرچه مباحث گوناگون مربوط به فروج و دماء و نسب با توجه به مذاق شرع مطهر و عنایت ویژه و مراقبت بر فروج و دماء مستلزم حکومت اصل احتیاط است لکن در بسیاری از موارد احتیاط خود خلاف احتیاط است، چرا که حکم به عدم جواز با استناد به اصل احتیاط می‌تواند مصداقی از آیه ۵۹ سوره مبارکه یونس باشد (قُلْ اِنَّ لِلّٰهِ اٰذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلٰى اللّٰهِ تَفْتَرُوْنَ). لذا تا زمانی که حرام بودن یا جایز نبودن، ثابت شود، اصل بر اباحه و جواز است، چرا که خداوند بندگان خویش را در گشایش و عدم دشواری قرار داده است. [۱۸، ص ۹۸].

۲. عدم اطلاق روایات وارده در این باب عبارتهایی نظیر «تضييع الماء» در روایت اسحاق بن عمار و «أقر نطفته فی رحم ما یحرم علیه» در روایت علی بن سالم و یا «أفرغ مائه فی امرأه حراماً» در روایت فقیه اطلاق ندارند. این روایات همگی به زنا و حداکثر، تولید فرزند حرام از نطفه، هرچند به غیر زنا یا ریختن منی به درون رحم بدون نزدیکی نظر دارند، در حالی که این نوع از تلقیح مصنوعی هیچ ارتباطی به این عناوین ندارد [۱۸؛ ۲۴، ص ۱۲۳].

در پاسخ به استدلال فوق و با استفاده از نظر فقهای دیگر می‌توان گفت اولاً اسلام در یک جامعه سالم و متکامل به برنامه مزاجت و تشکیل خانواده و توالد و تناسل از طریق ازدواج تأکید زیاد دارد و غرض شارع مقدس محصور کردن اعمال غریزه جنسی و طلب فرزند از طریق پیمان ازدواج با وجهه معنوی و شرافتمندانه است. مجاز شدن راههای دیگر برای توالد و تناسل موجب عدم رغبت به تشکیل خانواده و سست شدن بنیان خانواده می‌گردد. هم‌اکنون در کشورهای غربی توالد و تناسل خارج رحم و بدون ازدواج رو به تزاید است، به نحوی که در بسیاری از موارد زنان بدون ازدواج و داشتن شوهر و با استفاده از اسپرم موجود در بانکهای اسپرم، صاحب فرزند می‌شوند؛ امری که در آینده، بنیان خانواده و نسل و نسب را دچار بحران خواهد کرد. ثانیاً شمول اصالة الاباحه در مورد تلقیح اسپرم مرد



اجنبی و تخمک زن اجنبیه، موجب نقض غرض شارع مقدس و تفویت مصالح عظیمه خواهد شد. ثالثاً اگر حکم به جواز تلقیح نطفه مرد اجنبی و زن اجنبیه بدهیم، لازمه آن حکم به جواز تلقیح نطفه پدر به دختر و پسر به مادر و خواهر و سایر محارم است، زیرا در شمول اباحه ظاهری فرقی بین محارم و غیرمحارم نیست که این امر موجب تجویز جمع بین برادر و پدر و جد خواهد شد [۱۳، ص ۲۲۲]؛ چیزی که هیچ فقیهی حکم به جواز آن نخواهد داد.

در خصوص اطلاق روایات به مقاربت و نزدیکی و زنا و تولید فرزند از راه حرام نیز باید گفت مقاربت و نزدیکی یکی از مصادیق بارز و آشکار قرار دادن نطفه مرد بیگانه در رحم زن اجنبی است. به طور کلی، آنچه از روایات استنباط می‌گردد حرام بودن استقرار نطفه حرام در رحم زن است، چه از طریق غیرمشروع و زنا باشد و چه با استفاده از روشهای تلقیح مصنوعی که با استفاده از بانکهای اسپرم و بدون داشتن شوهر و یا با داشتن شوهر منجر به بارداری و ولادت نوزاد می‌گردد.

از مجموع آیات و روایات و ارتکازات متشرعه و احکام شرعی و اصل احتیاط در فروج و جلوگیری از اختلاط انساب، حرمت تلقیح اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن نامحرم در همه انواع تلقیح - درون رحم و خارج از آن - ثابت است [۱۳؛ ۵، ص ۹۸] از احادیث، به ویژه حدیث علی بن سالم به دست می‌آید که امر مذکور مورد خشم و غضب خداوند است و هر کاری که در تحقق آن دخالت دارد نیز مبعوض است. به همین دلیل، علاوه بر حرمت برای مرد، این عمل برای زن نیز حرام است [۱۷، ص ۱۴۸].

۳- احکام حقوقی اطفال متولد شده از تلقیح مصنوعی

با بیان انواع تلقیح مصنوعی و دیدگاه شرع بر مبنای فقه امامیه در مورد هر یک از آنها، با توجه به منشأ تشکیل جنین، احکام حقوقی اطفال متولد شده در حالات مختلف تلقیح مصنوعی را در مورد عناوین اصلی نسب، ارث و محرمیت و به تبع آن عناوین فرعی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- منشأ تشکیل جنین اسپرم مرد و تخمک همسر شرعی وی است

۳-۱-۱- نسب

ضابطه نسب: نسب از جمله مفاهیمی است که فاقد حقیقت شرعیه است؛ به این معنا که قبل از اسلام نیز تکون یک انسان از ترکیب نطفه مرد و زن منشأ نسب تلقی شده است. این مفهوم در عرف جوامع بشری نیز به معنای انعقاد نطفه از دو شخص است. رابطه‌ای که بین کودک و صاحبان نطفه، یعنی مرد و زن به صورت اعتباری وجود دارد در لغت و عرف نسب نام گرفته است. این حقیقت تنها در مورد زنا مورد امضای شارع مقدس واقع نشده، اگرچه در لغت و عرف کودک متولد از زنا نیز فرزند محسوب می‌گردد. این رابطه اعتباری وقتی مورد تأیید شارع مقدس قرار می‌گیرد که متکی به تماس جنسی صحیح و رابطه زوجیت و یا حتی اعتقاد به وجود رابطه زوجیت (شبهه) باشد. لذا مطلق تولد از نطفه کسی موجبی برای نسب شرعی نیست [۲۹، ج ۴۱، ص ۳۹۸].

بجز تشکیل جنین از راه طبیعی و تماس جنسی معمول بین مرد و همسر شرعی‌اش که خارج از بحث ما است، سایر موارد، یعنی در کلیه صورتهای تلقیح اسپرم مرد با تخمک همسر شرعی خود مذکور در شماره ۲ - ۱ این نوشته از نظر آثار مورد بحث است. برخی از صور تلقیح با استفاده از ابزار درون رحم صورت می‌پذیرد، مانند آنکه اسپرم مرد را به وسیله ابزار پزشکی وارد رحم همسرش می‌کنند، یا پس از تزریق و تلقیح در آزمایشگاه آن را در رحم همسرش قرار می‌دهند، یا اسپرم و تخمک را با هم داخل لوله فالوپ قرار می‌دهند، یا اسپرم مرد را با گامت مؤنث همسرش در محیط آزمایشگاه تلقیح و سپس وارد رحم می‌کنند، و یا نطفه مرد را پس از فوت با تخمک همسرش تلقیح می‌کنند. در برخی دیگر از صور تلقیح، عمل تلقیح از خارج در رحم همسر شرعی انجام می‌پذیرد، مانند تلقیح اسپرم مرد و تخمک همسرش در محیط آزمایشگاه و پرورش کودک تا تولد در خارج از رحم و یا تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر و استقرار آن در رحم زن دیگری اعم از زوجه شرعی دیگر و یا زن اجنبی (شوهردار یا بدون شوهر) تا رشد و نمو و تکامل در رحم زن دیگری انجام پذیرد.

در شماره ۲ بیان گردید که بین اکثر فقها در حلیت و جواز حالات فوق بجز موردی که عمل تلقیح پس از فوت صاحب اسپرم صورت می‌پذیرد - که آن هم اختلافی است - اتفاق نظر وجود دارد. لذا در انتساب جنین تشکیل یافته و کودک ایجاد شده از این راه در همه حالات و



در حالتی که پس از فوت صاحب اسپرم تلقیح صورت می‌پذیرد هیچ تردیدی وجود ندارد و فرقی بین این حالات و تولد فرزند از طریق رابطه زوجیت شرعی و صحیح نیست [۶، ج ۲، ص ۶۲۱؛ ۷، صص ۴۳-۴۲؛ ۸، ص ۱۷۸؛ ۲۲؛ ۳۰، ج ۲، ص ۵۳؛ ۴، ص ۳۱۳]. اگرچه برخی از فقها بعضی از موارد را در صورت ضرورت و یا عسر و حرج مشروع می‌دانستند، لکن در صحت انتساب فرزند به صاحبان نطفه و تخمک تردید نکرده‌اند. [۶، ج ۲، ص ۶۲۱؛ ۱۱، ج ۲، ص ۶۲۱؛ ۹، ج ۲، ص ۵۶۷].

۳-۱-۲- ارث

یکی از موجبات ارث، وجود رابط نسبی بین وارث و مورث است. حیات وارث حین فوت مورث نیز یکی از شرایط ارث است. چنانچه اسپرم مرد و تخمک همسر شرعی وی حین فوت مورث منعقد شده باشد چون منشأ تکون جنین و کودک پس از رشد و نمو و تکامل نطفه دو شخص مذکور است مقتضی برای وراثت ایجاد شده و در نتیجه، فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی در حالات مذکور از صاحبان نطفه ارث می‌برد؛ زیرا این فرزند واجد یکی از موجبات ارث یعنی نسب است و دارای یکی از شرایط ارث یعنی وجود وارث حین فوت مورث است که در صورت وجود سایر شرایط - یعنی فوت مورث و وجود ترکه- و فقدان مانع از مورث خود ارث می‌برد. در این حالات، نسب شرعی مورد نیاز در وراثت نیز وجود دارد و تردیدی در ارث بردن جنین متکون از اسپرم مرد و تخمک همسر شرعی وی در صورتی که زنده متولد شود، نیست. [۱۰، ص ۳۰۰؛ ۹، ج ۲، ص ۵۷۱؛ ۱۸، ص ۱۱۸؛ ۳۰، ج ۲، مساله ۴۹۶-۴۹۰]؛ اما در خصوص ارث بردن فرزندی که پس از فوت صاحب اسپرم، نطفه‌اش منعقد می‌گردد بین فقها اختلاف نظر است. برخی از فقها نظر به وجود رابطه توارث بین صاحب اسپرم، یعنی متوفی و فرزند داده‌اند [۲۲]. برخی دیگر از فقها عقیده‌ای به وجود رابطه وراثت بین صاحب اسپرم و فرزند در این حالت ندارند و یا حداقل قائل به احتیاط و مصالحه هستند [۱۱، ج ۲، ص ۶۱۱؛ ۵، ص ۹۴؛ ۹، ج ۱، ص ۵۶۵؛ ۱۵، ص ۷۶۵]. علت این حکم، عدم وجود مقتضی وراثت، یعنی تحقق شرط وجود وارث حین فوت مورث است؛ زیرا حین فوت مورث نطفه فرزند مورد بحث هنوز منعقد نشده است.

در خصوص جنین تشکیل شده از اسپرم مرد و تخمک همسرش حتی اگر هنوز به رحم زن منتقل نشده باشد و یا هیچگاه منتقل نشود، مانند حالتی که رشد و نمو کودک تا پایان در

محیط آزمایشگاه انجام پذیرد، این سؤال وجود دارد که آیا صدق «حمل» به چنین موجودی صحیح است یا خیر؟ از آنجا که حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد و ارث از جمله حقوقی است که حمل در صورت زنده متولد شدن از آن بهره‌مند می‌گردد و از طرفی شرط وراثت، انعقاد نطفه حمل هنگام فوت مورث است پاسخ به سؤال مذکور در حالات فوق اهمیت دارد. در پاسخ می‌توان گفت آنچه در عرف عام، اطلاق حمل بر آن صحیح است، جنینی است که در داخل رحم زن در حال رشد و نمو است. اما با توجه به مقررات و عرف خاص جامعه پزشکی، موجود تشکیل یافته از اسپرم مرد و تخمک زن نیز که در دوران جنینی و در حال تکامل و رشد در محیط آزمایشگاه است - که در حکم رحم است - حمل تلقی می‌گردد. آنچه مهم است ماده اصلی تکوّن یک انسان از ترکیب و امتزاج اسپرم مرد و اوول زن است، صرف‌نظر از محل تکون و محیطی که در آن پرورش می‌یابد. ادعای عدم صدق حمل به چنین موجودی که از اسپرم مرد و تخمک زن تشکیل یافته و در محیط آزمایشگاه در حال رشد و نمو و تکامل است، در عرف، خصوصاً عرف جامعه پزشکی بعید است [ص ۹۴].

۳-۱-۳- محرمیت

ملاک نسب، رابطه اعتباری بین کودک و کسانی است که این کودک از دو جزء متعلق به آنها یعنی نطفه و تخمک به وجود آمده است. خویشاوندی از طریق نسب یکی از مواردی است که در هفت دسته موجب نشر حرمت در نکاح است. این هفت دسته در آیه ۲۳ سوره مبارکه نساء شمرده شده است.

قرابت رضاعی حاصل از نوشیدن مقدار معینی از شیر با لحاظ شرایط خاص نیز به منزله نسب است و قرابت ناشی از چنین رضاعی در حکم قرابت نسبی و موجب حرمت در نکاح است. قرابت سببی نیز از مواردی است که موجب نشر حرمت است. اکنون باید به این سؤال پاسخ داد که آیا نسب فرزند متولد از تلقیح مصنوعی در حالات مختلف هشتگانه شماره ۲، موجب حرمت در نکاح می‌گردد یا خیر؟ با توجه به اثبات نسب صحیح و شرعی بین فرزند و صاحبان اسپرم و تخمک، بین این کودک و سایر فرزندان صاحبان اسپرم و تخمک و خویشاوندان نسبی آنها رابطه قرابت نسبی برقرار است و بین این کودک و کودک متولد از راه طبیعی هیچ تفاوتی در احکام ازدواج، ارث، نگاه کردن و غیره نیست [ص ۹۷].



در خصوص کودکی که از تلقیح اسپرم مرد و تخمک زوجه شرعی خود پس از مرگ مرد صورت می‌پذیرد، بنا بر نظری که بچه را به صاحبان نطفه و تخمک ملحق می‌کند، [۲۲]، هیچ تفاوتی بین این کودک و سایر فرزندان صاحب اسپرم و تخمک نیست و کلیه احکام جاری است؛ اما نظری که این کار را مجاز نمی‌داند تنها در صورت جهل تلقیح کنندگان، فرزند را حلال‌زاده و واجد احکام محرمیت و موجب وراثت از مادر می‌داند اما اعتقادی به وراثت بین پدر و فرزند متولد شده از این طریق ندارد [۱۱، ج ۲، ص ۶۲۱].

با توجه به جواز روشی که در آن اسپرم مرد و تخمک همسرش را در محیط آزمایشگاه تلقیح می‌کنند و در رحم همسر دیگری قرار می‌دهند، بین کودک و صاحبان اسپرم و تخمک رابطه نسب صحیح برقرار و وراثت و محرمیت برقرار است؛ اما کودک از صاحب رحم به دلیل عدم وجود رابطه نسبی موجب وراثت، ارث نمی‌برد و بنا به نظر فقها تنها رابطه محرمیت بین کودک و صاحب رحم برقرار می‌گردد و مادر جانشین به منزله مادر رضاعی است و فرزند نمی‌تواند بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند [۱۱، ج ۱، ص ۴۶۵].

این حکم در موردی که اسپرم مرد و تخمک همسرش را با یکدیگر تلقیح کنند و در رحم زن دیگری (شوهردار یا بدون شوهر) قرار دهند نیز جاری است؛ یعنی رابطه بین کودک و صاحبان اسپرم و تخمک یک رابطه نسبی صحیح، و موجب وراثت و محرمیت است؛ لکن بین کودک و مادر جانشین و شوهر وی هیچ رابطه نسبی وجود ندارد و لذا کودک از آنها و آنها از کودک ارث نمی‌برند؛ اما از نظر محرمیت برخی از فقها مادر را در حکم مادر رضاعی فرض کرده، در محرمیت و ازدواج حکم به احتیاط کرده‌اند [۹، ج ۱، ص ۵۶۵].

۲-۳- منشأ تشکیل جنین، اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن است

۳-۲-۱- نسب

بنابر نظر اکثریت قاطع مراجع و فقها در کشور اسلامی ایران، مبنی بر حرمت تلقیح اسپرم مرد و تخمک زنی که بین آنها رابطه زوجیت صحیح و شرعی برقرار نباشد، اینک آثار این عمل را در حالات مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم. توجه به واقعیتهای اجتماعی و ضرورت تعیین وضعیت کودکی که از راه تلقیح مصنوعی ولو به طریق نامشروع و غیرصحیح متولد می‌شود، جامعه حقوقی را بر آن می‌دارد که وضعیت اطفال متولد شده از روشهای مختلف بارداری مصنوعی را از نظر نسب، ارث و محرمیت تبیین کند. تبیین

وضعیت این اطفال و ایجاد آگاهی در جامعه، تصمیم‌گیری آگاهانه مردم و متخصصین این امر را در جامعه پزشکی آسان می‌کند.

با بررسی نظر فقها و صاحب‌نظران در این زمینه دو نظر قابل ارائه است:

۱. باروری در اثر تلقیح اسپرم مرد و تخمک زن فاقد رابطه زوجیت، موجب نسب صحیح شرعی نمی‌شود؛ از آنجا که علاوه بر استناد به آیات و روایات در حرمت باروری مصنوعی از طریق اسپرم مرد اجنبی، عمده استدلال فقها متکی بر ضرورت احتیاط در حفظ فروج و اختلاط نسب است و شرع مقدس در جلوگیری از اختلاط انساب و مباحث نسب، عده و ازدواج اهتمام زیادی به خرج داده، برخی از فقها برای نسب شرعی، مطلق تولد از اسپرم مرد را کافی نمی‌دانند و تنها سبب ایجاد رابطه نسبی را نکاح صحیح و یا حداقل اعتقاد به رابطه صحیح (شبهه) تلقی می‌کنند.

صاحب جواهر(ره) صرف تولد از نطفه را برای نسب شرعی کافی نمی‌داند، اگرچه در عرف و لغت برچنین مولودی فرزند صدق کند [۲۹، ج ۱، ص ۳۹۸]. امام خمینی(ره) الحاق فرزند متولد شده را به صاحبان اسپرم و تخمک در صورت علم و عمد در تلقیح نطفه زن و مرد اجنبی و فاقد رابطه زوجیت، دارای اشکال دانسته، قائل به احتیاط هستند [۶، ج ۲، ص ۶۲۱؛ ۱۲، ص ۱۸۹].

۲. جنین ناشی از تلقیح اسپرم مرد و تخمک زن فاقد رابطه زوجیت دارای نسب صحیح است؛ از آنجا که صدق عناوین نسب در معنای لغوی و عرفی منوط به تشکیل جنین از نطفه مرد و زن است و به ارتباط تکوینی میان کودک و صاحب اسپرم بستگی دارد، کودک متولد از اسپرم مرد و تخمک زن به صاحبان آنها ملحق می‌گردد [۶، ج ۲، ص ۶۲۱؛ ۱۵، ص ۷۶۵؛ ۱۶، ص ۹۸؛ ۱۷، ص ۱۵۲؛ ۱۸، ص ۱۱۰؛ ۳۱؛ ۲۲]. مفهوم عرفی الحاق طفل به صاحب نطفه تنها در مورد زنا مورد انکار شارع مقدس قرار گرفته و به دلیل فقدان رابطه صحیح زوجیت و نسب صحیح، نوزاد متولد از زنا، موجب برای وراثت ندارد. همچنین تردیدی در عدم صدق زنا به تلقیح نطفه مرد و زن بیگانه موجود نیست. عدم الحاق فرزند متولد از تلقیح مصنوعی هنگام عدم وجود رابطه زوجیت به کسی، مورد انتظار عرف نیست؛ زیرا به هر حال، عرف، در صورت متولد شدن طفل از نطفه مردی، وی را پدر طفل می‌داند. یکی از دلایل استنادی در الحاق طفل به صاحب نطفه، حتی در صورت فقدان رابطه زوجیت، صحیح محمدبن مسلم است:



«در مورد مساحقه زنی با کنیزی باکره پس از آمیزش با شوهرش و در نتیجه انتقال نطفه مرد و حامله شدن کنیز، از امام علی (ع) سؤال شد. امام حسن (ع) که در مجلس حضور داشت فرمود که مهر کنیز به عهده زن است و زن به دلیل داشتن شوهر رجم می‌شود و پس از ولادت فرزند، طفل به پدرش (صاحب نطفه) داده می‌شود و کنیز متحمل حد مساحقه می‌گردد».

با ملاحظه ادله فوق، فرزند متولد از تلقیح مصنوعی حتی در صورت حکم به حرمت آن به دلیل تکون طفل از اسپرم مرد و تخمک زن، به آن دو ملحق می‌شود و همه احکام نسب و خویشاوندی بین وی و صاحبان نطفه برقرار است.

۳-۲-۲-۳- ارث

یکی از موجبات وراثت، وجود رابطه نسبی بین وارث و مورث است. بنابراین بین کودک و صاحب نطفه بنا بر نظر وجود رابطه نسبی، وراثت برقرار است [۱۵، ص ۷۶۵؛ ۱۸، ص ۱۱۰؛ ۱۱، ج ۲، ص ۶۱۳؛ ۱۷، صص ۱۶۶-۱۶۷؛ ۱۶، ص ۹۹]. برخی از فقها در مسأله توارث بین کودک و صاحب نطفه در صورتی که کودک در اثر تلقیح نطفه مرد اجنبی با زن اجنبه به وجود آمده باشد، توصیه به احتیاط و مصالحه با سایر ورثه کرده‌اند [۳۲، ج ۴، ص ۴۷۱؛ ۹، ج ۱، ص ۵۶۵؛ ۳۲، ج ۲، مساله ۴۹۶-۴۹۰؛ ۳۴، ج ۲، ص ۲۳۹]. بین طفلی که از اسپرم و تخمک زن و مردی تشکیل شده و در رحم دیگری رشد و نمو کرده است با صاحب رحم رابطه وراثت وجود ندارد [۱۱، ج ۱، ص ۴۶۵ و ج ۲، ص ۶۱۳؛ ۹، ج ۲، ص ۵۷۱].
نقش صاحب رحم صرفاً ایجاد محیط مساعد برای رشد جنین است و در ایجاد جنین هیچ نقشی برای صاحب رحم متصور نیست.

۳-۲-۳- محرمیت

فقها حکم به وجود رابطه محرمیت بین زن و کودک متولد از تلقیح مصنوعی اسپرم مرد و تخمک زنی داده‌اند که بین آن دو رابطه زوجیت وجود ندارد [۶، ج ۲، ص ۶۲۱؛ ۱۵، ص ۷۶۵؛ ۱۸، ص ۱۱۸، ۱۶، ص ۹۷؛ ۱۳، ص ۲۹۳]. آنچه سازنده و به وجود آورنده اولیه نوزاد است اسپرم مرد و تخمک زن است که پس از تلقیح، جنین را به وجود آورده، پس از رشد و نمو به نوزاد تبدیل می‌شود. بین طفل و زنی که جنین صرفاً در رحم او رشد و نمو کرده نیز رابطه

محرمیت برقرار است [۱۱، ج ۱، ص ۴۶۵؛ ج ۲، ص ۶۱۳؛ ۱۸، ص ۱۱۸]. دلیل این امر، رشد و نمو کودک در اثر تغذیه از بدن انسان است. هنگامی که در اثر نوشیدن شیر در زمان معینی و یا دفعات معینی به طور مستقیم از پستان زنی بین نوزاد و صاحب شیر رابطه محرمیت ایجاد می‌شود به طریق اولی بین نوزادی که در رحم زنی در مدت حمل از وی ارتزاق می‌کند با وی، رابطه محرمیت برقرار می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

از مجموع آیات و روایات و ارتکازات متشرعه، اصل احتیاط در فروج و ضرورت جلوگیری از اختلاط نسب، تأکید شرع مقدس اسلام بر اهمیت ازدواج و تولید نسل و مباحث این مقاله امور زیر قابل نتیجه‌گیری است:

۱. تلقیح اسپرم مرد و تخمک زنی که بین آنها رابطه نکاح صحیح برقرار است در صورت فقدان مقدمات حرام، جایز است.
۲. با وجود مقدمات حرام، امر مذکور در صورتی جایز است که از موارد عسر و حرج و ضرورت باشد.
۳. بین کودک متولد از تلقیح اسپرم مرد و تخمک زن شرعی وی رابطه نسب، محرمیت و ارث برقرار است.
۴. بین کودک پرورش یافته در رحم زن (از تخمک زن دیگری)، رابطه محرمیت برقرار است.
۵. تلقیح اسپرم مرد و تخمک زنی که بین آنها رابطه نکاح صحیح برقرار نیست، بنا به نظر اکثر فقها حرام است. البته برخی از فقها در این حالت نیز حکم به جواز داده‌اند.
۶. علی‌رغم حرمت تلقیح اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن، کودک به صاحبان اسپرم و تخمک منتسب می‌گردد و از آنها ارث می‌برد و نسبت به آنها محرم است.

۵- منابع

- [۱] کی - چانگ - ربار - سولز، ناباروری: ارزیابی و درمان؛ ترجمه محمدعلی کریمزاده و همکاران، یزد، مؤسسه انتشارات یزد، ۱۳۷۵.



- [۲] افلاطونیان، ع. و جیبی‌زاده، و.، *روشهای نوین درمان نازایی*؛ تهران، مؤسسه انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۸۰.
- [۳] شوهم، ز.، *درمان ناباروری زنان*، ترجمه محمدعلی کریم‌زاده میبیدی و دکتر ربابه طاهری‌پناه، تهران، مؤسسه انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۷۹.
- [۴] القائنی، م.، *المبسوط فی فقه المسائل المعاصره «المسائل الطبیه»*، قم، مرکز فقه‌الائمه الاطهار، ۱۴۲۴ هـ. ق.
- [۵] آصف‌المحسینی، م.، *الفقه و مسائل طبیه*، قم، مؤسسه بوستان قم، ۱۳۸۲.
- [۶] الخیمینی، ر.، *تحریرالوسیله*، قم، دارالعلم، بی‌تا.
- [۷] خویی، ا.، *مستحدثات المسائل*؛ قم، بی‌نا، بی‌تا.
- [۸] الخیمینی، ر.، *استفتائات*، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۹] فاضل لنکرانی، م.، *جامع‌المسائل*، ج ۱۱، قم، مطبوعاتی امیر، بی‌تا.
- [۱۰] نوری همدانی، ح.، *یک مسأله فقهی*، قم، مؤسسه مهدی موعود(عج)، ۱۳۷۷.
- [۱۱] مکارم شیرازی، ن.، *استفتائات جدید*، ج ۲، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب(ع)، ۱۳۸۱.
- [۱۲] اراکی، م.ع.، *استفتائات*، قم، نشر معروف، بی‌تا.
- [۱۳] صافی گلپایگانی، ل.، «*استفتائات و نظریات*»، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳ (۱۳۷۱).
- [۱۴] سجانی، ج.، «*استفتائات و نظریات*»، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳ (۱۳۷۱).
- [۱۵] سیستانی، ع.، *توضیح‌المسائل مراجع*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۱۶] المؤمن، م.، *کلمات سدیدیه فی مسائل جدیدیه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ۱۴۱۵ هـ. ق.
- [۱۷] حرم‌پناهی، م.، «*تلقیح مصنوعی*»، *فقه اهل بیت(ع)*، س ۳، ۱۳۷۶ ش ۳.
- [۱۸] یزدی، م.، «*بارورهای مصنوعی و حکم فقهی آن*»، *فقه اهل بیت(ع)*، س ۲ (۱۳۷۵)، ش ۵ و ۶.
- [۱۹] تبریزی، ج.، *استفتائات جدید*، قم، نشر سردر، ۱۳۷۸.
- [۲۰] موسوی اردبیلی، ع.، *استفتائات*، قم، انتشارات نجات، بی‌تا.
- [۲۱] نایب‌زاده، ع.، *بارورهای مصنوعی (مادر جانشین - اهدای تخمک / جنین)*، تهران، مؤسسه انتشاراتی مجد، ۱۳۸۰.
- [۲۲] خامنه‌ای، ع.، *استفتائات*، گروه استفتای مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، قم، ۱۳۷۳.
- [۲۳] صانعی، ی.، *مجمع‌المسائل*، قم، انتشارات میثم تمار، ۱۳۷۶.

- [۲۴] قبله‌ای، خ. « بررسی احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع » فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، س ۴ (۱۳۷۸)، ش ۱۳ و ۱۴.
- [۲۵] مؤمن، م. « سخنی درباره تلقیح »، ترجمه موسی دانش (جعفر زاده)، فقه اهل بیت (ع)، س ۱ (۱۳۷۴) ش ۴.
- [۲۶] بجنوردی، م. « استفتائات و نظرات پیرامون تلقیح مصنوعی » فصلنامه رهنمون، ۱۳۷۱، ش ۲ و ۳.
- [۲۷] حرالعاملی، م. وسائل الشیعة، ج ۱، چ ۵، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق.
- [۲۸] علوی قزوینی، ع. « آثار حقوقی تلقیح مصنوعی انسان »، نامه مفید، س ۱ (۱۳۷۴)، ش ۳.
- [۲۹] صاحب جواهرم.، جواهرالکلام، چ ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۸.
- [۳۰] صافی گلپایگانی، ل.، جامع الاحکام، ج ۲، قم: مؤسسه دارالقران الکریم، ۱۳۶۴.
- [۳۱] بهجت، م. ت. « استفتائات، گروه استفتای مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، قم، ۱۳۷۳.
- [۳۲] خمینی، ر.، تحریر الوسیلة، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- [۳۳] مرعشی شوشتری، ح. « استفتائات و نظریات »، فصلنامه رهنمون، ۱۳۷۱، ش ۲ و ۳.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د مرستی
پرتال جامع علومو انساني